



مخاطرات امنیتی تشکیل حکومت سلفی «امارت اسلامی افغانستان» در عصر انقلاب چهارم صنعتی

سید محمدرضا متقی^۱ سیده سمیه متقی^۲

چکیده

جریان‌های سلفی معتقد به تشکیل جامعه و حکومتی مانند جامعه و حکومت «سلف صالح» هستند و تحولات حکومت‌داری و مناسبات اجتماعی در حدود ۱۴۰۰ سال اخیر را مردود می‌دانند و وظیفه مسلمانان را بازگشت به آن دوره تلقی می‌کنند. اما عموم این گروه‌ها صرفاً در حیطه علوم انسانی این اعتقاد را داشته و در خصوص تحولات فن‌آوری این تلقی را ندارند و استفاده از ابزارهای پیشرفته مدرن را نه تنها مجاز دانسته، بلکه در مسیر توسعه آن برای اهداف خود سرمایه‌گذاری نیز می‌کنند. حال «امارت اسلامی افغانستان» که فرزند این اندیشه است، با وجود اینکه تعریفی محلی در خصوص هدف بازگشت به سلف صالح را مطرح می‌کند؛ اما یگانگی در مبدع و قرابت با گروه‌های سلفی تروریستی مانند «شبکه حقانی»، «القاعده» و... امکان ایجاد یک پایگاه امن جهانی برای گروه‌های تروریستی سلفی را محتمل می‌سازد؛ اهمیت ماجرا زمانی بیشتر می‌شود که با پیشرفت‌های تکنولوژی و نزدیکی این حکومت با چین (یکی از دو قطب این عرصه)، وجود سرمایه مالی و همچنین دانشگاه‌های صنعتی و آزمایشگاه‌های نسبتاً مجهز در این سرزمین (به واسطه حضور ۲۰ ساله ناتو و سایر کشورها) می‌تواند احتمال وقوع مخاطره‌ای جدی برای امنیت جهانی را پیش‌بینی کرد؛ مخاطره‌ای که در عصر انقلاب چهارم صنعتی، با گسترش هوش مصنوعی، ماشین‌های خودران و حتی سایبورگ‌ها و... بسیار گسترده‌تر از پیش خواهد بود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی قصد دارد این مخاطرات را گوشزد و لازمه ایجاد یک ائتلاف جهانی برای مقابله با آن را پیشنهاد و بررسی کند.

واژگان کلیدی: امارت اسلامی، افغانستان، سلفی جهادی، طالبان، شبکه حقانی، انقلاب

چهارم صنعتی

۱. پژوهشگر دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲. کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه سمنان

۱. مقدمه

تعاریف مختلفی در خصوص تروریسم مطرح شده که جامع و مانع بودن آنها مورد مناقشه است و بسیاری از کشورها در خصوص آن به اجماعی نرسیده‌اند. اما به صورت کلی، می‌توان گفت منظور از تروریسم، مجموعه فعالیت‌هایی خشونت‌آمیز یا ارباب‌آفرین به صورت غیرقانونی، علیه عموماً افراد غیرنظامی است که در راستای اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و... انجام می‌شود (Wisnewski, 2008: 175). در این راستا سازمان‌های مختلف حقوق بشری و همچنین کشورهای مختلف، با تعاریف مدنظر خود، فهرست‌هایی از گروه‌های تروریستی را به صورت ادواری منتشر می‌کنند و تا کنون حدود ۲۵۰ سازمان و گروه در این فهرست‌ها جای گرفته‌اند و چهار گروه سلفی جهادی «طالبان»، «طالبان پاکستان»، «شبکه حقانی» و «القاعده» اصولاً در بسیاری از این فهرست‌ها مشترک هستند؛ چهار گروهی که نقش گسترده‌ای در تحولات اخیر افغانستان و در نتیجه آن تشکیل «امارت اسلامی افغانستان» ایفا کرده‌اند.

البته شاید در نگاه اول تصور شود که این تحولات صرفاً مرتبط به این کشور بوده و جامعه جهانی با تعهدات مختلف و یا حتی درگیر کردن این حکومت به امور سیاست‌ورزی می‌تواند مانع تکرار رفتارهای تروریستی آن، مشابه با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شود؛ اما نگرانی جدی‌تر از آن جا نشأت می‌گیرد که با تغییر و تحولات گسترده در زمینه تکنولوژی و گسترش روزافزون انقلاب چهارم صنعتی و همچنین مجهز شدن افغانستان به بسیاری از این ابزارها در بیست سال اخیر و همچنین وجود دانشگاه‌های صنعتی مختلف در این کشور با دارا بودن آزمایشگاه‌های تخصصی از طرفی، حمایت ضمنی کشور قدرتمندی مانند چین که در رقابت تنگاتنگ با جهان غرب (بالاخص آمریکا) برای تحقق اهداف خود بوده و قطبی جدی در حیطه تکنولوژی است، از طرف دیگر و در نهایت افزایش فاصله طبقاتی میان کشورهای فقیر و غنی از جانبی و محدود شدن منطقه‌های فعالیت گروه‌های سلفی سایر کشورها از جانبی دیگر و به قدرت رسیدن

ناگهانی یکی از این گروه‌ها در افغانستان، می‌تواند زمینه‌ساز بحرانی به مراتب بزرگ‌تر از حد تصور باشد که می‌تواند جان و سرمایه‌های جهانی را با مخاطرات جدی روبه‌رو سازد و افغانستان را تبدیل به قطب آموزش و صادرات تروریست‌های تکنولوژیکال به سرتاسر جهان کند. بر این اساس پژوهش موجود در صدد است پیش از وقوع این اتفاقات غیرقابل جبران، نسبت به آن هشدار دهد و خواهان توجه جامعه جهانی به این موضوع شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد در آستانه تشکیل دولتی مورد حمایت گروه‌های شاخص تروریستی، ابتدا به معرفی اجمالی گروه‌های اصلی حامی امارت اسلامی افغانستان بپردازد و سپس با معرفی امکانات موجود و محتمل انقلاب چهارم صنعتی، مخاطراتی که می‌تواند توسط این گروه‌ها به وجود آید را گوشزد کرده و در نهایت راهکار خود برای مقابله با این مخاطره جدی را ارائه و ارزیابی کند.

۲. امارت اسلامی افغانستان و ریشه‌های آن

برای درک عمیق‌تر نسبت به مجموعه حاکم در افغانستان باید نگاهی به مفهوم و شعب اسلام سلفی انداخت؛ قرائتی از اسلام که آبشخور فکری بسیاری از گروه‌های تروریستی اسلامی است.

۲-۱. اسلام سلفی و انواع نگرش‌ها به آن

«سَلَفی» به گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که خود را پیرو «سلف صالح» می‌دانند و تحولات پس از این دوره را بدعت در دین و باعث معضلات جوامع اسلامی و حتی جهان تلفی می‌کنند (Emad el-Din, 2014). عموماً منظور از سلف صالح در این اندیشه، صحابه^۱، تابعین^۲ و تابع تابعین^۱ بوده و به عبارتی دیگر، پیروان این اندیشه الگوی خود را سه نسل اول

۱. به معنی کسانی است که پیامبر اسلام را دیده و در زمان حیات او، دین اسلام را پذیرفتند.

۲. به کسانی که زمان حیات پیامبر اسلام را درک نکرده‌اند اما صحابه ایشان را دیده و در زمان حیات آن‌ها دین اسلام را پذیرفته‌اند، و در حال ایمان مرده‌اند.

مسلمانان دانسته و بازگشت به جامعه و حکومت‌داری این سه نسل را اهداف خود تلقی می‌کنند و با هر گونه تغییر در این شیوه زیست اجتماعی با عنوان «بدعت» روبه‌رو شده و آن را مردود می‌دانند و تأکید بر آن را حتی موجب خروج فرد از اسلام و تکفیر وی تلقی می‌کنند. (Emad el-Din, 2014)

در تاریخ معاصر دست کم سه گونه سلفی‌گری قابل تفکیک است که شامل این سه دسته می‌شود:

۱- سلفی سنتی: می‌توان شاخص‌ترین چهره علمی آن را «ابن تیمیه» و مهم‌ترین گروه پیرو آن را «وهابیت» عربستان دانست. این گروه تشکیل حکومت و ترویج اندیشه‌های خویش در حیطه سرزمین اسلامی را وظیفه خود انگاشته و گسترش اسلام در کشورهای غیرمسلمان یا مبارزه با شرک در سطح جهانی را وظیفه خود نمی‌داند. این گروه‌ها معتقد هستند که سبک اداره اجتماع و حکومت، چه از نظر شکلی و چه ماهیتی باید مانند زمان سلف صالح طرح‌ریزی شود و خروج از این الگو مغایر با اسلام است اما استفاده از ابزارآلات و تکنولوژی‌های فنی و علوم مدرن را بلاشکال می‌دانند (ابراهیم، ۱۳۸۲: ۳۶).

۲- سلفی اصلاح‌گر: از چهره‌های شاخص علمی این گروه می‌توان به «جمال‌الدین اسدآبادی» و «محمد عبده» اشاره کرد. سلفیان اصلاح‌گر بر بازگرداندن تفکر اسلامی به اصل خالص آن، یعنی تبعیت از قرآن و سنت، مردود دانستن تفسیرهای محدود کننده آزادی در زمان خلافت عباسی و حفظ اتحاد امت اسلامی تأکید دارند. آنان تقلید را نفی می‌کنند و تلاش می‌کنند سازگاری اسلام و دانش و علم جدید را نشان دهند. مشهورترین گروه‌های الهام گرفته از این جریان «اخوان المسلمین» مصر و «حزب عدالت و توسعه» ترکیه هستند. این گروه بر خلاف گروه پیش گفته، صرفاً در

۱. به کسانی که زمان حیات پیامبر اسلام و صحابه را درک نکردند اما تابعین را دیده و دین اسلام را از تابعین فراگرفته‌اند.

حیطه ماهیت قائل به الزام تبدیل جامعه اسلامی به الگوی زمان حیات سلف صالح بوده، اما ابزارهای فنی و تکنولوژی‌های مدرن از جانبی و شکل جامعه و حکومت از جانبی دیگر را پیرو مقتضیات زمان می‌دانند.^۱

۱- سلفی جهادی: از چهره‌های شاخص علمی این گروه‌ها می‌توان به «محمد قطب» اشاره کرد. بر خلاف سلفی‌گری سنتی، این دسته وظیفه خود را مقابله با شرک در همه جهان دانسته و بر خلاف سلفی‌گری اصلاح‌گر قائل به روش‌های مسالمت‌جویانه در مسیر رسیدن به اهداف خود نیست. به عبارتی دیگر، این گروه‌ها معتقد هستند که جامعه متعالی، جامعه‌ای است که در شکل و ماهیت مانند جامعه سلف صالح باشد و هر مسلمان موظف است برای ایجاد و گسترش این جامعه تلاش کرده و در این مسیر می‌تواند از ابزار خشونت‌آمیز نیز استفاده کند. این دسته نه تنها استفاده از ابزارها و تکنولوژی‌های فنی مدرن را منع نمی‌کند، بلکه حتی در مسیر اهداف خود دست به گسترش و تکثیر آن‌ها نیز می‌زند استفاده از آن‌ها را واجب می‌داند اما در زندگی شخصی پیرامون این موضوع مانند سلفی‌های سنتی می‌اندیشند (Meijer, 2007, p43). از گروه‌های شاخص این دسته می‌توان به «القاعده» و «داعش» اشاره کرد.

ریشه نظری تولید و گسترش این نوع نگاه، فارغ از بحران‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی و یا بحران‌های مسلمانان مهاجر، تبلیغات و آموزه‌هایی بوده که توسط مکتب و «دارالعلوم دیوبندی» در حال انتشار است.

۱-۲-۱. مکتب و جنبش دیوبندی

در قرن نوزدهم همزمان با تحت سلطه قرار گرفتن هندوستان توسط بریتانیا، «شاه ولی‌الله دهلوی» با الهام از اندیشه‌های «محمد قاسم نانوتوی» در روستای دیوبند مدرسه‌ای تأسیس کرد که به دلیل تأسیس در این روستا به «دارالعلوم دیوبند» شهرت یافت. ولی‌الله دهلوی، علت

۱. الإخوان المسلمون: نرفض الدولة الدينية لأنها ضد الإسلام ۹ فوریه ۲۰۱۱، وبسایت رسمی عربی اخوان المسلمین.

تسلط بریتانیا بر هند را دور شدن از سیره سلف و نادیده گرفتن جهاد بالسیف (قیام مسلحانه) دانست و دارالعلوم دیوبندیه را با هدف ترویج روش زندگی صحابه و مسلمانان سه قرن اول هجری و جهاد با استعمار تأسیس کرد. مبانی فکری و اعتقادی مدارس دیوبندی جهاد در برابر حکام ظالم، انکار توسل و شفاعت از غیر خدا، اعتقاد به شورای اهل حل و عقد جهت تعیین رهبری جامعه (نه رأی مردم)، ضدیت با شیعه، مقابله با تهاجم غرب و روحیه ضد استعماری بوده و است (شکوری، ابوطالبی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

از محصلان شاخص جهادی این مؤسسه و مؤسسات وابسته (مانند «دارالعلوم حقانی») می‌توان به «ملا عمر»، امیرالمومنین اسبق افغانستان در زمان جنگ با امریکا، ملا اختر محمد، رهبر پیشین طالبان و مسئول عملیات‌های متعدد علیه سربازان ناتو در افغانستان، جلال‌الدین حقانی، رهبر پیشین گروه «شبکه حقانی»، از رابطین حکومت افغانستان با «القاعده» و عامل فرمان ترور بینظیر بوتو، نخست وزیر اسبق پاکستان، سراج‌الدین حقانی، فرزند جلال‌الدین حقانی، معاون نظامی رهبر طالبان، رییس فعلی «شبکه حقانی» و وزیر امور داخله امارت اسلامی و «هبت‌الله آخوندزاده» رهبر فعلی طالبان اشاره کرد.

۳. امارت اسلامی افغانستان و هم‌پیمانان

اینک با مجموعه توضیحات ارائه شده می‌توان به سه گروه اصلی حامی امارت اسلامی افغانستان اشاره کرد که هر سه بر اساس این تقسیم‌بندی سلفی محسوب می‌شوند؛ حال قرارگیری آن‌ها در دسته اول (سلفی سنتی) یا دسته سوم (سلفی جهادی) قابل بحث است.

این سه گروه اصلی، «طالبان افغانستان»، «شبکه حقانی» و به صورت غیررسمی «القاعده افغانستان» است. در قرار گرفتن دو گروه اخیر در دسته سلفیان جهادی جای شک و شبه نیست اما قرار دادن گروه طالبان در دسته اول یا سوم سلفیان جای بررسی بیشتر دارد.

شبکه حقانی یک گروه شبه‌نظامی در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان است. رهبران این شبکه از قبیله «زدران» قوم پشتون ساکن ولایت پکتیکا هستند.

این گروه متحد طالبان توسط مولوی جلال‌الدین حقانی تأسیس شد و نقش بسزای در اداره امور در زمان حکومت طالبان داشت. پس از حمله آمریکا به افغانستان این گروه علیه ناتو اعلام جهاد کرد و اولین عملیات‌های نظامی و انتحاری را برای مقابله با آمریکا و ناتو انجام داد. مقامات آمریکایی از شبکه حقانی با عنوان «خانواده‌ای از جنایت‌کاران و قاچاقبران مرزی» و به عنوان «مرگ‌بارترین گروه شورشی در افغانستان» یاد می‌کنند.

شبکه حقانی، از دلایل اصلی تیرگی روابط پاکستان و آمریکا است. آمریکا سازمان اطلاعات ارتش پاکستان، موسوم به «آی‌اس‌آی» را به حمایت گسترده از گروه حقانی متهم می‌کند. همچنین آمریکا برای بازداشت سراج‌الدین حقانی، رهبر شبکه حقانی و وزیر کشور امارت اسلامی افغانستان ۱۰ میلیون دلار جایزه اعلام کرده است. نکته مهم آنکه جلال‌الدین حقانی در دهه ۱۹۸۰ و در جریان تلاش‌هایش برای یافتن متحدی در خلیج فارس، برای نخستین بار با اسامه بن‌لادن، رهبر آتی القاعده آشنا شد. راهنمای اداره مبارزه با تروریسم بین‌المللی وابسته به مرکز مبارزه با تروریسم آمریکا حقانی را یکی از «مرشدان نزدیک» بن‌لادن در سال‌های شکل‌گیری القاعده توصیف کرده است. در میان جنایت‌هایی که به این گروه نسبت داده می‌شود، دو حمله انتحاری در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ علیه سفارت هند در کابل (با ۷۰ کشته) و حمله هتل کنتینانتال کابل در سال ۲۰۱۱ است.^۱

۲-۳. القاعده

القاعده تشکیلات بین‌المللی نظامی و سلفی جهادی است که در دوران جنگ شوروی در افغانستان توسط اسامه بن لادن، میلیاردر عربستانی جهت مبارزه با شوروی در سال ۱۹۸۸ و در شهر پیشاور تأسیس شد. این سازمان در قالب شبکه‌های نظامی گوناگون فراملی و به عنوان

۱. New York times, Afghan Assaults Signal Evolution of a Militant Foe, Eric Schmitt, Alissa J. Rubin, April 16, 2012

یک جنبش اسلامی فعالیت می‌کند و هدف خود را مبارزه با تأثیرات و دخالت‌های غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و گسترش اسلام در جهان می‌داند (Moghadam, 2008: 48).

القاعده حملات متعددی را علیه اهداف نظامی و غیرنظامی در کشورهای مختلف انجام داده‌اند. حملات ۱۱ سپتامبر مهم‌ترین آن‌ها بود که با برج‌های دوقلو و ساختمان پنتاگون برخورد کرد و آمریکا در پاسخ به آن جنگ با تروریسم را با حمله به افغانستان و دولت طالبان آغاز کرد.

بر خلاف شبکه حقانی و طالبان که پشتوانه قومیتی دارند، القاعده وابسته به یک قوم یا یک کشور خاصی نیست و هدفش را «مبارزه با دشمنان خدا» در هر کجای دنیا اعلام کرده است و عملیات‌های خود را در راستای «تحقق حکومت خدا بر روی زمین» انجام می‌دهد (Moghadam, 2008: 48).

۳-۳. طالبان

طالبان گروهی از شبه نظامیان فارغ‌التحصیل از دارالعلم دیوبندیه است. این گروه از زمان پیدایش در سال ۱۹۹۴ تا کنون از طرف‌های درگیر در جنگ افغانستان بوده است. بیشتر افراد گروه طالبان پشتون‌هایی هستند که در مناطق شمال غربی پاکستان و دو سوی خط دیوبند، زندگی می‌کنند.

در ۱۰ اکتبر سال ۱۹۹۴ میلادی در اوج جنگ‌های داخلی افغانستان هسته اولیه این گروه وارد منطقه سپین بولدک ولایت قندهار در جنوب افغانستان شدند و نام خود را «تحریک اسلامی طلبای کرام» نهادند. در میان رهبران طالبان اعراب وهابی از عربستان سعودی نیز وجود داشت. آن‌ها با شعارهای دینی اسلامی مانند «جهاد با شرک و کفر» و اینکه «هر کس کشته شود به بهشت خواهد رفت»، به سرعت پیروان زیادی در افغانستان و پاکستان پیدا کردند. (شکوری،

ابوطالبی، ۱۳۹۷: ۱۲۱)

طالبان و متحدانشان در طول سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، زمانی که در افغانستان به قدرت رسیدند، مرتکب قتل‌عام علیه غیرنظامیان افغان شدند، از تأمین غذا برای ۱۶۰۰۰۰ غیرنظامی گرسنه توسط سازمان ملل جلوگیری کردند و با سیاست زمین سوخته، مناطق وسیعی از زمین حاصلخیز را سوزاندند و ده‌ها هزار خانه را ویران کردند.

حکومت طالبان در میان سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ با رادیو، تلویزیون، اینترنت، برخی درمان‌های مدرن پزشکی، دستگاه‌های خودپرداز بانک، موبایل و در کل هر تکنولوژی که امکان کنارگذاشتن داشت و به جهاد آسیب نمی‌زد، مقابله می‌کرد و تمام این موارد را از مظاهر غرب برمی‌شمرد.^۱

تا امروز، عمده تلاش طالبان (مانند سلفیان سنتی) در راستای تسلط بر افغانستان و پاکستان است و تلاش برای گسترش این حکومت به کشورهای منطقه یا تمام جهان را نداشته است، اما ارتباط تنگاتنگ این گروه با شبکه حقانی و به تبع آن القاعده، امکان ایجاد یک قطب تجمع گروه‌های تروریستی را گسترش می‌دهد؛ اتفاقی که هم مخاطره‌ای برای شهروندان افغان است، هم خطری برای منطقه و هم دغدغه‌ای برای امنیت جهانی.

حال با توجه به ریشه‌ها و گروه‌های وابسته به امارت اسلامی افغانستان، قاعدتاً این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا مخاطرات این حکومت بیشتر از دور اول تأسیس آن در سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ است؟ مخاطراتی مانند ترور شخصیت‌های مخالف افغان مثل احمدشاه مسعود، ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در کشورهای همسایه، حملات ۱۱ سپتامبر امریکا و... پاسخ به این سؤال، فارغ از تجارب جدید این گروه‌ها در امر سیاست‌ورزی و جهاد، در توجه به تحولات گسترده تکنولوژیکال در دو دهه اخیر است که می‌توان با عنوان «انقلاب چهارم صنعتی» از آن یاد کرد.

۱. گاهی اجمالی به تفاوت‌ها و اشتراک‌های طالبان، داعش و القاعده، دویچه وله فارسی، راینهاارد باوم‌گارتن، ۲۰۲۱، ۰۸، ۲۰

۴. انقلاب چهارم صنعتی و مخاطرات حاصل از آن به واسطه وجود حکومتی جهادی

انقلاب صنعتی یکی از تحولات بزرگ حیات بشری است که بر امروزه جهان سایه‌گسترده و تأثیرات شگرف آن در همه وجوه زندگی قابل رؤیت است. در این میان جمعی از اندیشمندان حوزه تاریخ صنعت در تقسیم‌بندی‌های خود، این فرآیند را همچنان جاری دانسته و ادوار مختلف این انقلاب را به چندین دوره تقسیم می‌کنند که بر اساس یکی از تقسیم‌بندی‌های که امروزه مورد توجه بسیار در سطح جهانی قرار گرفته و مبدع آن «کلاوس شواب»^۱ است، این انقلاب در قالب چهار دوره شناسایی می‌شود؛ انقلاب اول صنعتی (۱۷۶۰ تا ۱۹۰۰) که با اختراع ماشین بخار و صنعت نساجی و آهن همراه بود. انقلاب دوم صنعتی (۱۹۰۰ تا آغاز جنگ جهانی اول) که با اختراع صنعت برق، نفت و فولاد تحقق یافت. انقلاب سوم صنعتی یا انقلاب دیجیتال و جهانی‌شدن (پس از پایان جنگ جهانی دوم تا حوالی ۲۰۱۵) که با ابداع ترانزیستور آغاز می‌شود و در ادامه رایانه شخصی، اینترنت و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را به وجود می‌آورد و نهایتاً انقلاب چهارم صنعتی (از حدود سال ۲۰۱۶ به بعد) که با ظهور فناوری‌های نوین در حوزه‌هایی مانند رباتیک، هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی، نانو تکنولوژی، پردازش کوانتومی، زیست فناوری، اینترنت اشیا، خودروهای خودران و... همراه است که باید به شرحی مختصر در خصوص آن پرداخت (Schwab, 2017: 37).

۴-۱. انقلاب چهارم صنعتی

هسته اجرای Industry 4.0 یا همان انقلاب چهارم صنعتی پیوند دنیای فیزیکی در سطح اجرا با دنیای سایبری است و اجزای اصلی پیاده‌سازی در این ایده، سیستم‌های سایبری-فیزیکی (Cyber-Physical Systems) هستند. در نتیجه و در صورت تحقق چشم‌اندازهای انقلاب چهارم صنعتی، آینده نه‌چندان دور هوش مصنوعی، نیروی انسانی، ماشین‌آلات،

۱. Klaus Schwab زاده ۳۰ مارس ۱۹۳۸، اقتصاددان، کارآفرین، نیکوکار و استاد دانشگاه اهل آلمان، بنیانگذار و رئیس

هیئت مدیره مجمع جهانی اقتصاد (اجلاس داووس) است.

واحدهای تولیدی، تدارکات و محصولات به‌طور مستقیم با همدیگر ارتباط برقرار کرده و به همکاری می‌پردازند.

این انقلاب با تغییرات بنیادین در سه حوزه اصلی فیزیکی، زیستی و دیجیتال توانایی تحقق تحولات شگرفی را داراست. در واقع، این سه حوزه، علاوه بر آنکه هر کدام از آنها به تنهایی با تغییرات جدی مواجه می‌شوند، در تعامل با یکدیگر نیز، باعث به وجود آمدن تغییرات عمیق‌تری شده که از آنها به‌عنوان تغییرات «برافکن» یاد می‌شود.

بر این اساس، در حوزه فیزیکی چهار تغییر برافکن به‌واسطه انقلاب صنعتی چهارم به وجود آمده و قاعدتاً توسعه خواهد یافت که شامل ۱- خودروهایی خودران، ۲- پرینترهای سه بعدی، ۳- روباتیک پیشرفته و ۴- تولید مواد جدید است.

در حوزه دیجیتال نیز سه تغییر برافکن مهم وجود خواهد داشت که شامل ۱- اینترنت اشیاء، ۲- بلک چین و ۳- اقتصاد اشتراکیست.

در حوزه زیستی هم تغییرات برافکنی که مشتمل بر ۱- توالی‌یابی ژنی و ۲- زیست‌شناسی مصنوعی و رسانش مؤثر بوده، توسعه خواهد یافت (Schwab, 2017: 52).

۴-۲. دغدغه امنیتی تأسیس یک حکومت سلفی جهادی در عصر انقلاب چهارم صنعتی

چند دغدغه اساسی مهم، با تشکیل این دولت امکان بروز دارد که به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. منبع مالی و تکنولوژیکی رسمی و غیررسمی

هزینه سرمایه‌گذاری در حیطه انقلاب چهارم صنعتی نیاز به مبالغ هنگفتی دارد و بسیاری از فعالان ساخت‌افزاری و نرم‌افزاری این عرصه بر اساس قوانین تجارت بین‌المللی فروش این موارد

به خریداران مشکوک را ممنوع می‌دانند. اما با تأسیس یک حکومت با ویژگی‌های ذکر شده و حامیانی که اوصاف آن‌ها بیان شد، عملاً هم هزینه مالی این موارد قابلیت تأمین شدن پیدا می‌کند و هم خرید کالا و خدمت از شرکت‌های جهانی میسر می‌شود. به واسطه نزدیکی گسترده شبکه حقانی با دولت طالبان و همچنین این شبکه با القاعده، عملاً مشخص نخواهد بود که این امکانات آیا در دسترس این گروه‌ها نیز قرار می‌گیرد یا خیر (که قاعداً حداقل شبکه حقانی از آن‌ها بهره‌مند می‌شود).

همراهی چین با امارت اسلامی افغانستان، با توجه به این نکته که این کشور خود یکی از قطب‌های اصلی انقلاب چهارم صنعتی است و در رقابت تنگاتنگی با امریکا قرار دارد، می‌تواند مخاطرات جدی و بسیار خطرناک‌تر از پیش برای منطقه و جهان، بالاخص کشورهای غربی به وجود آورد و حتی افغانستان را تبدیل به آزمایشگاهی برای تولیدات مختلف این کشور کند.

۴-۲-۲. آموزش عالی

با وجود اینکه در رده‌بندی‌های دانشگاه‌های جهان دانشگاه‌های کشور افغانستان رتبه قابل توجهی ندارند اما به واسطه سرمایه‌گذاری‌های گسترده در امر آموزش که توسط سازمان ملل، ناتو و کشورهای همسایه انجام شده، توسعه فنی و آموزشی بسیاری داشته است؛ در اختیار گرفتن فرمان آموزش در دست یک دولت سلفی جهادی می‌تواند از جانی این کشور را به مرکز آموزش فنی و تکنولوژیکال گروه‌های تروریستی تبدیل کند و از جانب دیگر قاعداً اساتید و محصلانی که علاقه به رویکرد سلفی جهادی در سطح جهان هستند را جذب خود سازد. بر این اساس در نتیجه هر محصل و فارغ‌التحصیلی می‌تواند خود تبدیل به یک خطر بالقوه برای جهان شود. از سویی دیگر، عدم الزام و پایبندی به اخلاق علمی و قوانین بین‌المللی در این عرصه از جانب حکومت امارت اسلامی و هم‌پیمانانش حتی می‌تواند بازسازنده مجدد بحران‌های انسانی دوره هیتلر و استالین باشد.

۴-۲-۳. تولیدات نظامی و شبه نظامی

در صورت تحقق دو مورد پیش‌گفته امکان تولید گسترده و صنعتی‌سازی تکنولوژی‌هایی به وجود خواهد آمد که می‌توان گفت یکی از بزرگترین مخاطرات نظم جهان و حتی حیات بشر را به همراه خواهد داشت. همان طور که یک روز جامعه جهانی از امکان دسترسی حکومت‌های سلطه‌جو و گروه‌های تروریستی به تسلیحات هسته‌ای نگران بوده، امروز باید بیشتر از آن نگران دسترسی گسترده این گروه‌ها به امکانات نظامی و شبه‌نظامی مرتبط به انقلاب چهارم صنعتی باشد. در این راستا چند مورد از این ابزارآلات و ساختارها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و ایده‌های استفاده تروریستی آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳-۴ ربات‌های هدایت‌شونده از راه دور

این مجموعه امکانات شامل بسیاری از ربات‌ها، از جمله پهپادها، خودروهای کنترل‌شونده از راه دور، ربات‌های شناسایی و... می‌شود. این امکانات ممکن است در ایده‌هایی مانند پهپادهای حمل بمب، خودروهای انتحاری با کنترل از راه دور و ربات‌های جاسوسی و شناسایی بسیار کوچک همراه شود.

۲-۲-۳-۴ ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی

موارد گفته شده در مورد قبلی تکنولوژی‌هایی بوده که در دهه اخیر تأثیرات آن قابل مشاهده است، اما ربات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی تحول شگرفیست که باید به صورت مجزا بدان پرداخت.

امروزه کاملاً امکان‌پذیر است که یک ماشین خودران طراحی شود و بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، مثلاً وظیفه آن را داشته باشد که هر کس که لباس نظامی به تن دارد را زیر بگیرد و بکشد و در نهایت خود را منفجر سازد! یا میکرو پهپادهای ترور که با حمل مقادیر بسیار کمی مواد منفجره بر اساس شناسایی چهره به ترور افرادی پردازد و سرعتی ده‌ها برابر انسان داشته باشد یا ربات‌های جنگ که می‌تواند به صورت هوشمند وظایف چندین تن سرباز ورزیده را در حیطه خاص (مثلاً پرتاب نارنجک، تک‌تیراندازی، خنثی کردن مین و...) به انجام رساند

(شیرودی، همتی و سیه‌پوش، ۱۳۹۹: ۳-۱۲) و برای گروه‌های تروریستی که اصولاً جمعیت اعضایشان قابلیت مقایسه با ارتش‌های کشورها را ندارد، یک ارتش تمام عیار ایجاد کند.

۳-۲-۳-۴ ارتش سایبورگ

منظور از سایبورگ تلفیق دو سپهر سایبرنتیک (Cybernetic) و ارگانیسم (Organism) و ایجاد یک موجود با اجزای طبیعی و تکنولوژیکال است (Halacy, 1965: 7). هدف اولیه این علم در دهه ۱۹۶۰، کمک به افراد ناتوان و بیماران بوده تا نواقص جسمی آن‌ها را جبران کند؛ اما پس از چندی، با توجه به امکان گسترش توانایی‌های افراد سالم، توجه به این وجهه موضوع نیز گسترش یافته و حتی تلاش برای ایجاد ارتش سایبورگی توسط دولت امریکا دست‌آوردهای گسترده‌ای را به بار آورده است (که البته با مخالفت‌های جامعه مدنی به واسطه مباحث اخلاقی همراه شده و به صورت رسمی در توقیف به سر می‌برد) اما با پیشرفت‌های تکنولوژی و پروژه‌های محرمانه کشورهای مختلف احتمال گسترش این سبک نظامی‌گری رو به افزایش است.

۴-۳-۲-۴ حمله‌های سایبری

با گسترش وابستگی صنایع مختلف و بالاخص صنایع مرتبط به امنیت کشورها به ساختار سایبری، خطر جنگ به واسطه حملات سایبری روزبه‌روز در حال افزایش است. زمانی که این ستیزه هدفمند نباشد و صرفاً قصد «آسیب بزرگ‌تر» را مدنظر خود قرار دهد (مانند حملات ۱۱ سپتامبر که در آن قصد ترور کس خاصی به چشم نمی‌خورد بلکه تعداد تلفات بالا هدف مجریانش قلمداد می‌شد) هکرهای تروریست می‌توانند با آلوده‌سازی آب‌های آشامیدنی، اختلال در فعالیت نیروگاه‌های هسته‌ای و... بحران‌های جبران‌ناپذیری برای جهان به بار آورند.

۴-۳. مخاطرات «امارت اسلامی افغانستان» با توجه به تحولات انقلاب چهارم صنعتی

تکنولوژی‌های مذکور و ده‌ها مورد دیگر (مانند امکان تولید ویروس‌ها و سلاح‌های بیولوژیکی برای نسل‌کشی‌های داخلی یا ستیزه‌های خارجی، تولید نقشه‌های قابل استفاده برای پرینترهای سه‌بعدی و در اختیار قراردادن آن به گروه‌های تروریستی هم‌پیمان و...) تا زمانی که در اختیار کشورهای پاسخگو است، شاید با معاهده و فشار افکار عمومی بتوان آنان را مجبور به محدودسازی و عدم استفاده از آن‌ها کرد، اما زمانی که این امکانات در اختیار حکومتی تندرو مانند امارت اسلامی بی‌افتد که حداقل گروه‌های همراهش برای خود وظایف منطقه‌ای و جهانی نیز متصور هستند امکان مقابله و پیشگیری از آن بسیار سخت‌تر خواهد بود و باید پیش از وقوع این قدرت افسارگسیخته فکری به حال آن کرد. از جانبی دیگر امکان تبدیل افغانستان به آزمایشگاه موارد پیش‌گفته توسط کشورهای حامی تکنولوژیکالشان برای ستیزه‌های جهانی نیز خود امکانی است که نباید از نظر دور داشت.

البته نیاز به تأکید مجدد دارد همه این مخاطرات از جانب گروه‌های تروریستی هم‌پیمان امارت اسلامی اکنون نیز وجود دارد، اما زمانی که مشروعیت و پول یک حکومت به صورت کامل در اختیار آن‌ها باشد و در اهداف و اخلاقیات هم‌پیمانانش تشکیل حکومت جهانی جزء وظایفش بوده و مخالفین اندیشه خود را لایق حیات نداند، به مراتب خطر آن بیشتر خواهد شد و دامنه آن نیز گسترش می‌یابد. با توجه به این موضوع مقاله موجود سعی در گوشزد کردن این موارد داشته و محققین و در کلان، جامعه جهانی را به دعوت به اندیشیدن و کشف راهکاری برای جلوگیری از این فاجعه دعوت می‌کند. بر این اساس این پژوهش، در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادات، پس از جمع‌بندی مطالب ارائه شده، راهکارهای اجمالی خود را در این زمینه ارائه می‌دهد؛ قطعاً این راهکارها همه وجوه موضوع را در بر ندارند اما می‌توانند فتح بابی در این مسیر باشند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش ابتدا به ریشه‌های جنبش «طالبان افغانستان» و اشتراکات آن با دو گروه عمده وابسته، یعنی «شبکه حقانی» و «القاعده» پرداخته شد که هر سه تحت تأثیر جریان «سلفی جهادی» و آموزه‌های «دارالعلم دیوبندی» هستند و در ساختار «امارت اسلامی افغانستان» به صورت رسمی یا غیررسمی به نقش‌آفرینی می‌پردازند؛ سه گروهی که در لیست‌های مختلف گروه‌های تروریستی جای گرفته‌اند.

در ادامه به تأثیرات مثبت بیست سال گذشته بر توسعه علم و بالاخص علوم فنی و تجربی در افغانستان پرداخته شد و این نکته مورد تأکید قرار گرفت که دسترسی گروه‌های مذکور به این گنجینه مهم، به همراه درآمدهای قانونی و غیرقانونی یک کشور، می‌تواند چگونه به یک بحران امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی مبدل شود؛ اهمیت ماجرا از آن رو بیشتر می‌شود که چین، به عنوان یک قطب تکنولوژی جهان در حال رقابت با غرب بوده و اکنون یکی از مهمترین حامیان طالبان نیز است. برخی از گروه‌های وابسته به امارت اسلامی افغانستان نیز برای خود وظایف منطقه‌ای یا بین‌المللی تعریف کرده‌اند و تشکیل و رسمیت یافتن این حکومت می‌تواند فراخوانی برای همه گروه‌های تروریستی اسلامی سلفی یا غرب‌ستیز باشد. با روند پرشتاب انقلاب چهارم صنعتی (از جمله هوش مصنوعی و...) و پیوند ناگستنی آن با ساختار نظامی مخاطرات پیش‌گفته نیز دوچندان می‌شود. با توجه به تولیداتی مانند پهپادها و خودروها با امکان کنترل از راه دور، پهپادها و خودروهای مبتنی بر هوش مصنوعی، سلاح‌های جدید، جنگ سایبری، سایبورگ‌های نظامی، سلاح‌های بیولوژیک و... به وجود آمدن یک دولت مبتنی بر گروه‌های تروریستی می‌تواند تبدیل به کابوسی برای همه، حتی حامیان آن شود. در این راستا پژوهش موجود از همه مردم جهان استدعا می‌کند این خطر به وجود آمده برای امنیت جهان را جدی گرفته و با اتحادی مستحکم به مقابله با آن بپردازند و برای این مهم پیشنهادهای ذکر می‌شود:

۱- جامعه جهانی مانع استقرار و عادی شدن وضعیت این دولت تا پیش از پذیرش قواعد

حقوق بشر شود.

- ۲- تا پیش از نظارت کامل بر فعالیت‌های نظامی این ساختار، هر گونه خرید نظامی، مواد اولیه نظامی یا تکنولوژی‌های وابسته آن را تحریم کند.
- ۳- جامعه جهانی اپوزیسیون این حکومت خودخوانده را به صورت جدی تقویت کند (مانند قیام مردم پنجشیر و...)
- ۴- سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی حق بازدیدهای سرزده به همه بخش‌های این کشور را داشته باشند.
- ۵- در نهایت چین مسئولیت حمایت خود از این حکومت را بپذیرد و وظیفه کنترل آن را به دوش کشد.

منابع

- ابراهیم، فؤاد، (۱۳۸۲)، *شیعیان در جهان مدرن عرب*، ترجمه: رضا سیمبر، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم
- شکوری، ابولفضل، ابوطالبی، عباس، نقش مدارس مذهبی دیوبندیه در شکل‌گیری افراط‌گرایی دینی (مطالعه موردی؛ مبانی فکری جنبش طالبان)، *مجله مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، دوره ۴، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۳۰-۱۰۹
- شیروودی، محمدسجاد، همتی، مجید و سیه‌پوش، ابراهیم، هوش مصنوعی و آینده حملات تروریستی گروه‌های تکفیری، *فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی*، شماره ۹، بهار ۱۳۹۹، صص ۱-۲۸
- دویچه وله فارسی: *نگاهی اجمالی به تفاوت‌ها و اشتراک‌های طالبان، داعش و القاعده*، راینهارد باوم‌گارتن، ۲۰۲۱/۰۸/۲۰

وب سایت عربی الإخوان المسلمون: نرفض الدولة الدينية لأنها ضد الإسلام ۲۰۱۱/۰۲/۰۹

Countering Terrorism Online with Artificial Intelligence An Overview for Law Enforcement and Counter-Terrorism Agencies in South Asia and South-East Asia, New York - June 30, 2021

D. S. Halacy. 1965. ***Cyborg: Evolution of the Superman***. New York: Harper and Row Publishers. p. 7.

Meijer, Roel (2007). "***Yūsuf al-'Uyairī and the Making of a Revolutionary Salafi Praxis***". Die Welt des Islams. Brill Academic Publishers. 47 (3): 422–459. Retrieved 2014-07-28.

Moghadam, Assaf (2008). ***The Globalization of Martyrdom: Al Qaeda, Salafi Jihad, and the Diffusion of Suicide Attacks***. Johns Hopkins University Press. p Algorithms and Terrorism: The Malicious Use of Artificial Intelligence for Terrorist Purposes A Joint Report by UNICRI and UNCCT New York - May 13, 2021

Schwab, Klaus, (2017) ***The Fourth Industrial Revolution, England***, Penguin Books Limited

Shahin, Emad el-Din (2014). "Salafiyah". ***The Oxford Encyclopedia of the Islamic World. Oxford Islamic Studies Online***